

چشم‌انداز آینده ژئوانرژی خلیج فارس و جایگاه ایران

لیلا رحمتی پور
هادی آجیلی

چکیده

در عصر کنونی، اقتصاد جهانی با تمامی پیچیدگی‌های خود اعم از جهانی شدن، وابستگی متقابل، تأکید بر رقابت بی‌وقفه، استفاده از مزیت‌های نسبی و غیره، همچنان به انرژی نفت و گاز و تأمین آن وابسته است؛ زیرا انرژی نقطه حرکت و سنگ بنای توسعه اقتصاد جهانی است. از سوی دیگر، انرژی خود یکی از ارکان قدرت محسوب می‌شود؛ چون در جهان امروز توسعه (که خود وابسته به انرژی است) می‌تواند تولید قدرت کند. با اهمیت یافتن منابع انرژی و به‌ویژه نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه‌ای (خلیج فارس) قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می‌کند؛ به طوری که از نظر کارکرد بسان قلب جهان عمل می‌کند. از این رو، در ژئوپلیتیک انرژی جهان، ایران از دو جهت قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهانی و قرار گرفتن در مسیر انتقال انرژی مورد توجه کشورهای بزرگ مصرف‌کننده انرژی واقع شده است. این دو ویژگی در کنار سایر عوامل دیگر سبب شده است که ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مطرح شود. لذا توجه بدان در تعاملات جهانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. بدین ترتیب، نظر به اهمیت موضوع، ارزیابی چشم‌انداز ژئوانرژی خلیج فارس و جایگاه ایران بر مبنای جدیدترین آمار منتشر شده از سوی مراکز معتبر جهان، کلیت این مقاله را شکل داده است که بر مبنای آنها، با وجود تحریم‌های اعمال شده از سوی کشورهای غربی، ایران همچون گذشته از اهمیت به‌سزایی در میزان ذخایر، تولید و انتقال انرژی جهان برخوردار است.

واژگان کلیدی

ژئوانرژی، جمهوری اسلامی ایران، خلیج فارس

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

Email: leilarahmati33@yahoo.com

Email: hadiajili@yahoo.com

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۸

تاریخ ارسال: ۹۴/۱۲/۱۹

فصلنامه راهبرد / سال بیست و پنجم / شماره ۸۰ / پاییز ۱۳۹۵ / صص ۱۱۶-۸۷

جستار گشایی

با پایان جنگ سرد، تحولات مهمی در ترتیب و اولویت ابزارهای نفوذ بین‌الملل پدید آمد و مسائل مهم اقتصادی و اقتصاد سیاسی در درجه نخست اهمیت قرار گرفت. امروزه عنصر نظامی قدرت تأثیر کمتری در روابط میان کشورهای بزرگ دارد و واژه قدرت بیشتر ناظر بر توان اقتصادی ملت‌ها خواهد بود (Cumings, 1991: 209). از این رهگذر، موضوع انرژی و تسلط بر آن از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های توان بالای اقتصادی کشورها محسوب می‌شود؛ چه اینکه در فضای جهانی شدن و پیوستگی منافع، مقاصد، علایق و تضادهای بازیگران روابط بین‌الملل، انرژی به ابزاری نوین برای تأمین منافع و امنیت ملی، رفاه عمومی و توسعه اقتصادی بدل شده است. خلیج فارس نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های انرژی جهان، محور معادلات ژئوپلیتیک^(۱) و ژئواستراتژیک^(۲) از زمان شکل‌گیری دیپلماسی نفت در ساختار اقتصادی جهان، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است. لذا بر این اساس باید از خلیج فارس به‌عنوان *هارتلند* نوینی یاد کنیم که نظام سامانه نفتی دنیا بر اساس آن برنامه‌ریزی می‌شود که بسیاری از صف‌بندی‌ها و رفتارهای کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تشریح می‌کند. در این میان، کشور ایران، با قرار گرفتن در *هارتلند*^(۳) انرژی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. ایران، در بُعد ژئواکونومیک^(۴) به‌عنوان دومین دارنده نفت و گاز جهان، ظرفیت تبدیل شدن به یکی از اصلی‌ترین شرکای انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ نفت جهان را دارد. در بعد ژئواستراتژیک نیز، ایران در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند در امنیت انرژی منطقه‌ای و جهانی نقشی محوری ایفا کند. لذا این کشور با توجه به ظرفیت‌های فراوان در حوزه انرژی به‌عنوان یک کانون تولید، مصرف و توزیع انرژی مطرح است؛ به‌گونه‌ای که گره‌خوردگی امنیت انرژی جهانی به ایران، همه ضرورت‌ها را برای بررسی هرچه صحیح‌تر جایگاه ژئوانرژی ایران در منطقه خلیج فارس را فراهم می‌سازد. مسئله‌ای که می‌تواند پشتوانه‌ای محکم برای ارتقای نقش ایران به‌عنوان یک قدرت نوظهور در مدیریت جهانی تلقی شود. نظر به اهمیت موضوع، نگارندگان بر آن شدند تا به ارزیابی هرچه دقیق‌تر جایگاه ژئوانرژی و ژئوپلیتیک راهبردی ایران بر مبنای جدیدترین آمارهای منتشرشده از سوی پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی همچون اداره اطلاعات انرژی آمریکا^۱، آژانس بین‌المللی انرژی^۲ و بی‌پی^۳ بپردازند. بر این مبنای پرسشی که مطرح شده، آن است که چشم‌انداز ژئوانرژی خلیج فارس و به‌ویژه جایگاه ایران بر مبنای آمارهای ارائه‌شده از سوی مراکز مختلف چگونه ارزیابی می‌شود. در این خصوص، شاید بتوان منابع به‌نسبت زیادی را یافت، اما باید توجه

1. EIA

2. IEA

3. BP

داشت که تقریباً تمامی این پژوهش‌ها مربوط به سال‌های گذشته هستند و جدیدترین آمارهای پژوهش‌ها در این حوزه تا سال ۲۰۰۸ را شامل می‌شوند. آنچه پژوهش پیش‌رو را با سایر پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه متفاوت می‌سازد، تمرکز بر جدیدترین آمارهای منتشرشده در حوزه انرژی از سوی سه پایگاه اطلاعاتی مذکور است و توجه به این موضوع که این آمارها با در نظر گرفتن تغییرات و موضوعات جدیدتر در عرصه جهانی همچون تحریم‌های نفتی ایران، فناوری‌های نوین استحصال انرژی و ... به‌روز شده‌اند. از این منظر، موضوعی کارآمد و مؤثر برای مطالعه ارزیابی جایگاه ژئوانرژی و ژئوپلیتیک راهبردی ایران محسوب می‌شود.

فرضیه یا پاسخ احتمالی که به این پرسش داده شده، آن است که بر مبنای آمار ارائه‌شده از سوی مراکز مختلف، چشم‌انداز انرژی منطقه خلیج فارس را بر اساس تشدید رقابت بر سر منابع انرژی و جایگاه ایران را نیز، با وجود تحریم‌های اعمال‌شده از سوی کشورهای غربی، همچون گذشته حائز اهمیت به‌سزایی در میزان ذخایر، تولید و انتقال انرژی جهان قلمداد می‌کند. در این راستا، در این مقاله ابتدا به بررسی جایگاه خلیج فارس در نظریات ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و چشم‌انداز انرژی جهان پرداخته و سپس به بررسی جایگاه ژئوانرژی و ژئواستراتژیک ایران بر مبنای آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مراکز مختلف خواهیم پرداخت.

۱. جایگاه خلیج فارس در نظریات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک

خلیج فارس به دلایل مختلف ژئوپلیتیکی و ذخایر عظیم انرژی نفت و گاز، به‌عنوان گلوگاه انرژی کشورهای توسعه‌یافته، یکی از مناطق استراتژیک دنیا تلقی می‌شود که تأمین امنیت آن همواره نقشی اساسی در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ داشته است. نظر به اهمیت شناخت دقیق‌تر این منطقه، لازم است نگاهی هرچند مختصر بر جایگاه این منطقه در نظریات ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی داشته باشیم. از این رهگذر، چنانچه بخواهیم جایگاه خلیج فارس را در نظریات ژئواکونومیک ارزیابی نماییم، ابتدا باید مراد خود را از این واژه مشخص کنیم. به‌طور کلی، ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عامل مهم در ژئوپلیتیک بوده جای خود را به اقتصاد داده است. این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک یا در برابر ژئوپلیتیک است، بلکه ژئواکونومی جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر می‌باشد (عزتی، ۱۳۸۵: ۲۹).

مطابق با این نظریات، با اهمیت‌یابی اقتصاد در نظام جدید جهانی، مناطقی در جهان اهمیت خواهند یافت که از نظر انرژی غنی باشند. لذا به لحاظ نظریه‌های ژئواکونومیک منطقه خلیج فارس موقعیت بی‌نظیری در هزاره سوم میلادی پیدا خواهد کرد؛ به‌طوری که هیچ

منطقه‌ای در جهان نمی‌تواند از این نظر با آن رقابت کند. این منطقه به لحاظ داشتن بیشترین ذخایر انرژی جهان، همواره مورد توجه کشورهای بزرگ بوده است. این موضوع تا آن اندازه آشکار است که هرگاه نام خلیج فارس آورده می‌شود، یادآور منبع عظیم انرژی و به‌ویژه نفت و گاز در جهان است و ذهنیت انباری بزرگ از گونه‌های متنوع و گاهی استراتژیک انرژی و... در ذهن متبادر می‌شود. از دید ژئواکونومی، انرژی موجود در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس بسیار ارزشمند است و در گذر زمان و حتی با پیدایش مفهوم فرایند جهانی شدن و جهانی‌سازی، نه تنها از اهمیت این منطقه و نیاز به انرژی آن کاسته نشده، بلکه افزایش تقاضا در راستای انباشت سرمایه و افزایش مصرف، افزایش عرضه را گریزناپذیر ساخته است. از جمله نظریه‌پردازان مشهور در دیدگاه‌های ژئواکونومیک، *ادوارد لاتواک* و *ژان ژاک شرایبر* می‌باشند. در این دیدگاه، به مناطقی که از لحاظ انرژی غنی هستند، اهمیت جهانی داده شده است و تسلط بر این مناطق، تسلط بر جهان تلقی می‌شود (عزتی، ۱۳۸۰: ۶۸).

در نظریه‌های مطرح در دیدگاه ژئوپلیتیک نیز، بحث *هارتلند* *مکیندر* و *ریملند* *اسپایکمن* مطرح می‌باشند که در آنها تسلط بر این نواحی، تسلط بر کل جهان تلقی می‌شود. در این نظریه‌ها، خلیج فارس *ریملند* یا سرزمین‌های حاشیه به شمار می‌رفت. در نظریه جهانی *مکیندر*، خاورمیانه و خلیج فارس حاشیه‌ای است، ولی اهمیت خاصی دارد، چراکه محل تماس و تلاقی خشکی و دریاست و بنابراین می‌تواند محل برخورد نیروی زمینی و دریایی باشد. هرچند نظریات *مکیندر* از ۱۹۰۴ تا ۱۹۴۵ دستخوش دگرگونی‌هایی شد، ولی اصول الگوی وی؛ یعنی رقابت قدرت‌های زمینی برای راه‌یابی به درون کمان حاشیه‌ای، جایی که در دسترس قدرت‌های دریایی است، به همان شکل باقی ماند. *مدیترانه* و *خاورمیانه*، مناطق کلیدی این کشمکش به شمار می‌آمدند. اهمیت چشمگیر مناطق کمان حاشیه‌ای به سبب نقش این مناطق در پیروزی یا شکست بود. چنانچه این مناطق از توان بالای نظامی و بازدارندگی برخوردار باشند، می‌توانند در برابر هجوم قدرت دریایی ایستادگی و حتی حملات آن را خنثی کنند (عسگری، ۱۳۸۳: ۱۷). در نظریات جدیدتر در این حوزه نیز، جایگاه و نقش استراتژیک خاورمیانه و زیرسیستم آن خلیج فارس را با توجه به گفته‌های *بوردیس فون لوهازن*، ژنرال بازنشسته ارتش اتریش، بهتر می‌توان درک کرد. او اعتقاد دارد که خاورمیانه، مرکز دنیای قدیم است. مرکزی که در دل آن، منطقه خلیج فارس قرار دارد و به‌منزله «مرکز مرکز» شناخته می‌شود (نامی، محمدپور و عباسی، ۱۳۸۸: ۶۱).

پس از نظریه *هارتلند*، نظریه دیگری مطرح شد که با تأکید بر بخش‌هایی از نظریه *هارتلند* دیدگاه تازه‌ای به‌دست می‌داد. *نیکولاس اسپایکمن*، جغرافیدان و نظریه‌پرداز ژئوپلیتیک

آمریکایی پس از بررسی نظریه هارتلند بر اهمیت کمان‌های داخلی خارجی این نظریه تأکید و آنها را با هم به‌عنوان ریملند یا حاشیه معرفی کرد. وی ناحیه ریملند را مهم‌تر از هارتلند می‌دانست. ریملند مناطق واقع در میان هارتلند و دریاهای حاشیه را در برمی‌گرفت. ناحیه حاشیه، به‌ویژه سراسر قاره اروپا غیر از اتحاد جماهیر شوروی پیشین و نیز آسیای صغیر، عربستان، عراق، ایران، افغانستان، هند، آسیای جنوب شرقی، چین، کره و سیبری را شامل می‌شود (عسگری، ۱۳۸۳: ۱۸) در نتیجه بخش بزرگ خاورمیانه، به‌ویژه خاورمیانه مرکزی و منطقه خلیج فارس در ریملند اسپایکمن جایگاه ویژه‌ای یافت. او بر حیاتی‌بودن ناحیه ریملند برای امنیت ایالات متحده تأکید بسیار داشت که باید زیر نظر ایالات متحده آمریکا قرار می‌گرفت و چنانچه هر بخش از ناحیه حاشیه زیر نظر رقیب (شوروی) قرار گیرد، در آن صورت امنیت آمریکا به خطر می‌افتد؛ چراکه امکان محاصره دنیای جدید فراهم می‌آید (عزتی، ۱۳۸۰: ۶۰). بر همین مبنا بود که ایالات متحده رفته‌رفته از اندیشه‌ها و آموزه‌هایی چون آموزه مونروئه دوری‌گزید و تلاش کرد در کشورهای حاشیه حضور فعال داشته باشد. جیمز مونروئه^۴ رئیس‌جمهوری اسبق ایالات متحده (۱۹۲۵-۱۸۱۷) بوده است که آموزه مونروئه در دوم دسامبر ۱۸۲۳ با پیام وی به کنگره اعلام شد. این آموزه، استقلال ملل نیمکره غربی را علیه مداخلات اروپاییان تضمین می‌کرد. آموزه مونروئه همچنین اعلام می‌داشت: «از این پس، ممالک قاره آمریکا به هیچ روی نباید تحت استعمار هیچ‌یک از قدرتهای اروپایی قرار گیرد».

بدین ترتیب، تمامی این نظریات نشان‌دهنده اهمیت منطقه خلیج فارس در نظریات ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و معادلات قدرت جهانی است. در ادامه به بررسی چشم‌انداز انرژی دنیا خواهیم پرداخت که این موضوع، اهمیت این منطقه را بیش از پیش نمایان خواهد ساخت.

۲. ارزیابی جایگاه خلیج فارس در چشم‌انداز انرژی دنیا

چنانکه گفته شد، منطقه خلیج فارس در طول تاریخ همواره به‌عنوان یکی از مناطق مهم امنیتی، راهبردی و اقتصادی در نظام بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، به‌گونه‌ای که طی قرن‌های اخیر این منطقه پیوسته مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی بوده و از تجاوز آنها در امان نمانده است. بنا بر آمارهای منتشرشده از سوی بی.بی.سی در سال ۲۰۱۳، ذخایر نفت منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حدود ۷۹۶،۶۴۰ میلیارد بشکه می‌باشد که این میزان بیش از ۵۴ درصد از ذخایر نفت دنیا است. به لحاظ ذخایر گازی نیز این منطقه با بهره‌مندی از ۸ تریلیون مترمکعب از ذخایر جهان، در حدود نیمی از ذخایر اثبات‌شده گاز جهان را داراست. به‌طور کلی، منطقه خاورمیانه و خلیج فارس با موقعیت منحصربه‌فرد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی

خود که نزدیک به ۵۵ درصد ذخایر نفتی و ۴۰ درصد ذخایر گازی جهان را در خود جای داده است (نگاره شماره ۱و۲)، از اهمیت ویژه و استثنایی در جهان برخوردار شده است. به طوری که، لوئیس و پکس زمین‌شناس شرکت استاندارد/ویل نیوجرسی معتقد است که در خلیج فارس ۴۰ هزار مایل مربع مناطق زیردریایی بسیار غنی نفتی و ۲۱ درصد زمین‌های زیردریایی غنی دنیا وجود دارد (فاضله، ۱۳۸۵: ۴۹).

نگاره شماره (۱) - میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت در خلیج فارس و خاورمیانه در

پایان سال ۲۰۱۲

کشور	میزان ذخایر (میلیارد بشکه)	میزان تولید (هزار بشکه)	میزان مصرف (هزار بشکه)	درصد از کل جهان
عربستان	۲۶۷,۹۱۰	۱۱۵۳۰	۲۹۳۵	۱۸,۱
ایران	۱۵۴,۵۸۰	۳۶۸۰	۱۹۷۱	۱۰,۴
عراق	۱۴۱,۳۵۰	۳۱۱۵	-	۹,۵
کویت	۱۰۴	۳۱۲۷	۴۷۶	۷,۰۵
امارات	۹۷,۸۰۰	۳۳۸۰	۷۲۰	۶,۶
قطر	۲۵,۳۸۰	۱۹۶۶	۲۵۰	۱,۷
خاورمیانه	۷۹۶,۶۴۰	۲۸۲۷۰	۸۳۵۴	۵۴,۰۵
کل جهان	۱۴۷۳,۷۶۱	۸۶۱۵۲	۸۹۷۷۴	۱۰۰

(بی.پی ۲۰۱۳)

امروزه، جهان ۴۱ درصد مصارف نفتی خود را از خلیج فارس تأمین می‌کند. با توجه به اینکه ذخایر نفتی بسیاری از کشورهای دنیا در ۲۰ سال آینده کاهش می‌یابد، اهمیت چهار کشور دارنده منابع نفت یعنی ایران، عربستان، عراق و کویت که هر چهار کشور در حوزه خلیج فارس قرار دارند، بیشتر نمایان شد. همچنین خلیج فارس میزان قابل توجهی از دیگر منابع پراهمیت انرژی جهان یعنی گاز طبیعی را نیز در اختیار دارند؛ هرچند به دلیل بالابودن هزینه‌های بهره‌برداری (تولید، انتقال و توزیع) گاز طبیعی، صنعت گاز منطقه خلیج فارس عمده‌تاً توسعه‌نیافته و صرفاً طی سال‌های اخیر شاهد حرکت برخی از این کشورها به سمت اکتشاف و توسعه گاز هستیم.

نگاره شماره (۲) - میزان ذخایر، تولید و مصرف گاز در خلیج فارس در پایان سال ۲۰۱۲

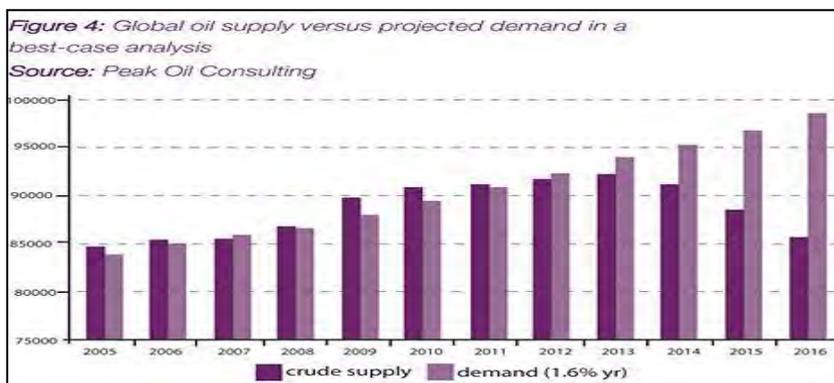
کشور	میزان ذخایر گاز (میلیارد مترمکعب)	میزان تولید (میلیارد مترمکعب)	میزان مصرف (میلیارد مترمکعب)	درصد از کل جهان
ایران	۳۳,۱	۱۶۰,۵	۱۵۶,۱	۱۶
قطر	۲۵	۱۵۷	۲۶,۲	۱۲
عربستان	۸,۳	۱۰۲,۸	۱۰۲,۸	۳,۹
امارات	۶,۱	۲,۷	۶۲,۹	۲,۹
عراق	۳,۶	۰,۸	-	۱,۷

کویت	۱,۸	۱۴,۵	۱۷,۲	۰,۹
عمان	۰,۹	۲۹,۵	-	۰,۵
بحرین	۰,۳	۱۴,۵	-	۰,۲
کل خاورمیانه	۷۹,۱	۵۴۸,۴	۴۱۱,۸	۳۸,۱

(بی.بی، ۲۰۱۳)

آنچه که در این مقام بسیار حائز اهمیت است، افزایش میزان مصرف انرژی از سوی کشورهای مختلف جهان است که این امر خود ارتباط معناداری با رشد و توسعه اقتصادی این کشورها دارد. به عبارت دیگر، اصول بلندمدت انرژی نشان از ارتباط مستقیم بین رشد اقتصادی و انرژی دارد. در قرن بیستم برای مثال تولید ناخالص داخلی جهان ۲۰ برابر افزایش یافت، جمعیت سه برابر و مصرف انرژی نیز ۴۰ برابر شد. رشد اقتصادی و رشد جمعیت باعث افزایش تقاضای انرژی شد. از سوی دیگر، به نحو فزاینده‌ای انرژی بعدی سیاسی و استراتژیک یافته است؛ به گونه‌ای که ریمون ورنون، تحلیلگر آمریکایی، «نفت بیش از هر ماده دیگر بین‌المللی با مسایل سیاسی و استراتژیک عجین شده و محال است این دو را از یکدیگر جدا کرد». نفت در وضعیت فعلی، مهم‌ترین منبع انرژی است که تجارت می‌شود؛ زیرا ۶۰ درصد تجارت نفت در جهان بین‌المللی است. تا سال ۲۰۳۰ انتظار می‌رود که تجارت جهانی نفت به دو برابر میزان کنونی و گاز طبیعی به سه برابر افزایش یابد (روحانی، ۱۳۸۹: ۲۴). همچنین پیش‌بینی می‌شود تقاضای انرژی جهان از ۱۳ هزار و ۷۰ میلیون تن معادل نفت در سال ۲۰۱۱ به ۱۷ هزار و ۳۸۷ میلیون تن معادل نفت در سال ۲۰۳۵ افزایش یابد که رشد یک سومی را نشان می‌دهد. تقاضا برای گاز با افزایش ۴۸ درصدی سریع‌ترین رشد را به خود اختصاص داده و پس از آن ذغال سنگ و نفت به ترتیب با ۱۷ درصد و ۱۳ درصد قرار دارند. در شرایط مطلق، سهم این منابع انرژی به تدریج حالتی همگرا خواهد یافت، در حالی که نفت همچنان تا پایان این دوره زمانی، پرمصرف‌ترین منبع انرژی باقی خواهد ماند (IEA Outlook 2013). بدین ترتیب، یکی از تحولات عمده شکل گرفته در روندهای بازار نفت جهان، شتاب گرفتن مصرف، به‌ویژه از سال ۲۰۰۲ به بعد بوده است. با این حال بیشترین رشد مصرف نفت در مدت مورد نظر به کشورهای در حال توسعه آسیایی اختصاص خواهد داشت (بردبار و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۰: ۳۲)

نمودار شماره (۱) - نمودار نسبت تقاضای نفت به عرضه نفت در جهان



با عنایت به نمودار بالا درخصوص روند عرضه و تقاضای جهانی نفت طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۰۵ چنین به نظر می‌رسد که تقاضای جهانی نفت طی سال‌های مورد بررسی روند صعودی خواهد داشت. در این خصوص، با عنایت به آمار ارائه‌شده در مورد میزان عرضه و تقاضای نفت در جهان و با توجه به روند رشد اقتصادی در جهان و موقعیت و اهمیت نفت در تحقق آن و نیز پیش‌بینی روند رشد تقاضای نفت در آینده، چنین به‌نظر می‌رسد که درخصوص متکی‌بودن اقتصاد جهانی به نفت تا آینده قابل پیش‌بینی تردید چندانی وجود ندارد؛ چرا که افزایش شدید مصرف نفت در کشورهای در حال توسعه آسیا و به‌ویژه چین و هند سبب شده است سهم بیشتری از نفت تولیدی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس روانه این منطقه شود؛ به‌طوری که در سال ۲۰۰۲ حدود ۶۰ درصد از صادرات حوزه خلیج فارس، روانه بازارهای آسیایی شد (ترابی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). بدین ترتیب، منطقه خلیج فارس در آینده نیز همچون گذشته با افزایش تقاضا از سوی کشورهای واردکننده انرژی مواجه خواهد بود و تنها تغییر عمده رخ داده در این حوزه، تغییر متقاضیان انرژی از غرب به سمت شرق خواهد بود. لذا اقتصادهای نوظهوری همچون هند و چین به‌شدت به منابع انرژی این منطقه وابسته خواهند شد. مطابق با گزارش سال ۲۰۱۳ اوپک تا سال ۲۰۳۵ تقاضا برای انرژی به میزان ۵۲ درصد افزایش خواهد یافت و حدود ۸۸ درصد از این افزایش تقاضا از سوی کشورهای در حال توسعه آسیایی خواهد بود (OPEC, 2013). نگاره زیر، چشم‌انداز تقاضای انرژی را تا سال ۲۰۳۵ نشان می‌دهد.

نگاره شماره (۳) - چشم‌انداز تقاضای نفت آسیا (میلیون بشکه در روز)

سال	کشور	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	۲۰۳۰	۲۰۳۵
چین	۱۰	۱۰٫۸	۱۲٫۷	۱۴٫۴	۱۶	۱۷٫۵	
هند	۳٫۷	۴	۵	۶٫۲	۷٫۶	۹٫۳	

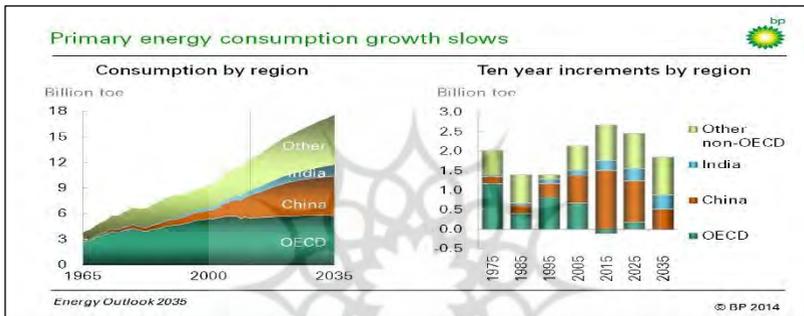
کشورهای در حال توسعه	۳۷,۸	۴۱,۴	۴۶,۴	۵۱,۸	۵۷	۶۲,۱
جهان	۸۹,۶	۹۱,۶	۹۶,۳	۱۰۰,۷	۱۰۴,۶	۱۰۸,۵

(OPEC Energy Outlook, 2013)

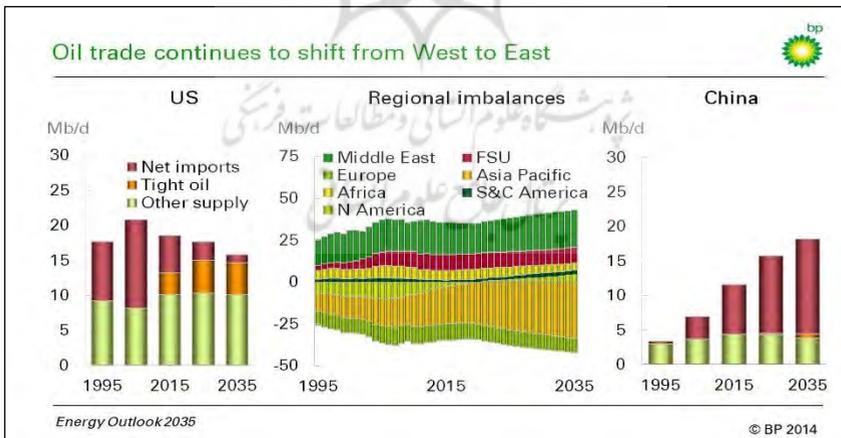
چنانکه در نگاره بالا مشاهده می‌شود، میزان رشد و افزایش مصرف و در نتیجه تقاضای انرژی از جانب کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه هند و چین تا سال ۲۰۳۵ رشد دو تا سه برابری را نشان می‌دهد.

نمودارهای زیر نیز روند افزایش مصرف انرژی از سوی شرق آسیا و پیشی گرفتن این منطقه در استفاده از انرژی از سایر مناطق جهان را نشان می‌دهند (نمودارهای شماره ۲ و ۳).

نمودار شماره (۲) - روند افزایش مصرف انرژی تا سال ۲۰۳۵



نمودار شماره (۳) - تداوم تغییر روند تجارت نفت از غرب به شرق



این بررسی‌ها دو نکته ابتدایی را در ذهن متبادر می‌کند؛ نخست اینکه روند افزایشی نیاز جهانی به انرژی ادامه خواهد داشت، اما این رشد بیشتر در حوزه کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور اقتصادی خواهد بود و دوم اینکه اکتشافات نفتی جدید در اقصی نقاط

جهان، در عمل بر وزن کشورهای اوپک و به‌ویژه خلیج فارس در تأمین انرژی جهانی افزوده خواهد شد. سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) که در حال حاضر ۴۲ درصد از تولید جهانی را به خود اختصاص داده‌اند، سهم‌شان تا سال ۲۰۳۵ به میزان ۵۰ درصد رشد خواهد داشت (Cordesman, 2013:10). همچنین لازم به ذکر است، این موضوع حتی با وجود منابع انرژی غیرمتعارف نیز صادق است؛ زیرا چنانکه گفته خواهد شد منابع انرژی این منطقه مزایای خاص خود را داشته و داراست.

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضروری است، اینکه در سایر نقاط جهان میزانی از انرژی جهان تولید می‌شود، اما این میزان جوابگوی رشد سریع تقاضای انرژی در جهان نیست. لذا منطقه خلیج فارس هنوز در کانون تأمین‌کننده منابع انرژی جهان قرار دارد (نگاره‌های شماره ۴ و ۵ و ۶).

نگاره شماره (۴) - میزان ذخایر نفت و گاز در نقاط مختلف جهان

کشور / سال	میزان ذخایر (هزار میلیون بشکه)				
	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۰۲	۱۹۹۲	درصد از کل جهان
آمریکای شمالی	نفت	۲۲۰,۲	۲۲۱,۰	۲۲۸,۳	۱۲۲,۱
	گاز	۱۰,۸	۱۱,۲	۷,۴	۹۰,۳
آمریکای مرکزی و جنوبی	نفت	۳۲۸,۴	۳۲۶,۶	۱۰۰,۳	۷۸,۸
	گاز	۷,۶	۷,۵	۷,۰	۵,۴
اروپا و اوراسیا	نفت	۱۴۰,۸	۱۴۰,۳	۱۰۹,۳	۷۸,۳
	گاز	۵۸,۴	۵۸,۴	۴۲,۱	۳۹,۶
خاورمیانه	نفت	۸۰۷,۷	۷۹۷,۹	۷۴۱,۳	۶۶۱,۶
	گاز	۸۰,۵	۸۰,۴	۷۱,۸	۴۴,۰
آفریقا	نفت	۱۳۰,۳	۱۲۶,۶	۱۰۱,۶	۶۱,۱
	گاز	۱۴,۵	۱۴,۷	۱۳,۸	۹,۹
آسیا پاسیفیک	نفت	۴۱,۵	۴۱,۴	۴۰,۶	۳۷,۵
	گاز	۱۵,۵	۱۵,۵	۱۳,۰	۹,۴
کل جهان	نفت	۱۶۶۸,۹	۱۶۵,۴	۱۳۲۱,۵	۱۰۳۹,۳
	گاز	۱۸۷,۳	۱۸۷,۸	۱۵۴,۹	۱۱۷,۶

(BP 2013)

نگاره شماره (۵) - تولیدات نفت و گاز مناطق مختلف جهان ۲۰۰۵-۲۰۱۲

کشور سال	آمریکای شمالی		آمریکای جنوبی و مرکزی		اروپا و اوراسیا		خاورمیانه		آفریقا		آسیا پاسفیک		کل جهان	
	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت
۲۰۰۵	۱۳۷۲۵	۷۶۹,۷	۱۵۴,۳	۱۷۶۱۵	۱۰۴۲,۱	۲۵۷۳۶	۳۳۹,۰	۱۹۲,۵	۷۹۸۸	۳۸۲,۶	۲۸۸۰,۱	۱۲۴۸۲	۲۹۴۳,۲	۲۸۸۰,۱
۲۰۰۶	۱۳۶۳۱	۷۸۱,۹	۱۵۵,۷	۱۷۸۴۳	۱۰۴۳,۲	۲۵۲۰۴	۳۵۷,۸	۱۰۱۷۹	۳۵۴,۱	۲۰۴,۱	۲۹۴۳,۲	۸۲۲۸۵	۲۹۴۳,۲	۲۹۴۳,۲
۲۰۰۷	۱۳۱۵۶	۸۰۰,۸	۱۶۰,۴	۱۷۶۳۰	۱۰۷۹,۳	۲۶۴۱۵	۳۸۴,۲	۱۰۲۲۶	۳۸۴,۲	۲۱۲,۲	۳۰۵۴,۰	۸۲۹۳۲	۳۰۵۴,۰	۳۰۵۴,۰
۲۰۰۸	۱۳۸۴۳	۸۲۱,۱	۱۶۶,۶	۱۷۷۵۵	۱۰۳۱,۲	۲۵۷۶۳	۴۷۲,۷	۱۰۱۲۳	۴۷۲,۳	۲۱۴,۳	۳۱۹۲,۳	۸۳۲۷۲	۳۱۹۲,۳	۳۱۹۲,۳
۲۰۰۹	۱۳۴۴۴	۸۰۷,۴	۱۵۵,۹	۱۷۸۱۷	۹۵۸,۸	۲۴۷۲۸	۴۰۷,۳	۹۸۴۸	۴۰۷,۳	۲۰۰,۴	۲۹۶۹,۳	۸۱۲۶۱	۲۹۶۹,۳	۲۹۶۹,۳
۲۰۱۰	۱۳۷۰۹	۷۵۰,۶	۱۴۰,۵	۱۷۵۵۱	۱۰۲۹,۱	۲۵۵۱۸	۳۱۹,۹	۹۹۰,۲	۳۱۹,۹	۱۷۷,۰	۲۷۸۰,۰	۸۲۰۱۴	۲۷۸۰,۰	۲۷۸۰,۰
۲۰۱۱	۱۴۳۳۵	۸۶۶,۵	۱۷۱,۵	۱۷۴۵۱	۱۰۳۹,۹	۲۷۹۸۸	۵۱۸,۷	۸۷۴۲	۵۱۸,۷	۲۱۱,۲	۳۲۹۱,۳	۸۴۲۱۰	۳۲۹۱,۳	۳۲۹۱,۳
۲۰۱۲	۱۵۵۵۷	۸۹۶,۴	۱۷۷,۳	۱۷۲۱۱	۱۰۳۵,۴	۲۸۲۷۰	۵۴۸,۴	۹۴۴۲	۵۴۸,۴	۲۱۶,۲	۳۳۶۳,۳	۸۶۱۵۲	۳۳۶۳,۳	۳۳۶۳,۳
درصد از جهان	۱۷,۵	۲۶,۸	۵,۳	۲۰,۳	۳۰,۷	۳۲,۵	۱۶,۳	۱۰,۹	۶,۴	۹,۶	۱۴,۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نگاره شماره (۶) - میزان مصرف نفت و گاز در مناطق مختلف جهان ۲۰۱۲-۲۰۰۵

کشور سال	آمریکای شمالی		آمریکای جنوبی و مرکزی		اروپا و اوراسیا		خاورمیانه		آفریقا		آسیا پاسفیک		کل جهان	
	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت
۲۰۰۵	۷۸۲٫۲	۲۵۱۱۹	۱۲۳٫۹	۵۱۵۸	۱۱۰۰٫۵	۶۳۳۵	۲۷۹٫۲	۲۹۱۱	۸۵٫۶	۲۴۵۳۵	۳۹۷٫۴	۸۴۲۲۸	۲۷۶۸٫۹	۲۵۱۱۹
۲۰۰۶	۷۷۸٫۰	۲۵۰۰۲	۱۳۶٫۰	۵۳۳۲	۱۱۲۰٫۲	۶۴۴۹	۲۹۲۰	۲۹۱۱	۸۹٫۴	۲۵۱۲۴	۴۲۴۰	۸۵۱۳۸	۲۸۳۹٫۰	۲۵۰۰۲
۲۰۰۷	۸۱۳٫۹	۲۵۱۰۹	۱۳۶٫۳	۵۶۵۱	۱۱۲۵٫۹	۶۶۹۶	۳۰۳٫۲	۳۰۶۸	۹۵٫۴	۲۵۹۸۹	۴۵۷٫۳	۸۶۵۷۵	۲۹۳۲٫۱	۲۵۱۰۹
۲۰۰۸	۸۲۱٫۵	۲۲۸۶۰	۱۴۰٫۹	۵۸۹۲	۱۱۲۶٫۳	۷۱۸۵	۳۳۱٫۹	۳۲۱۸	۱۰۰٫۸	۲۵۸۸۱	۴۸۰٫۰	۸۶۰۵۲	۳۰۱۱٫۵	۲۲۸۶۰
۲۰۰۹	۸۱۶٫۱	۲۲۹۵۹	۱۳۶٫۸	۵۹۲۱	۱۰۴۹٫۵	۷۵۲۶	۳۴۴٫۶	۳۳۰۲	۱۰۰٫۱	۲۶۲۰۵	۴۹۶٫۷	۸۵۰۶۴	۲۹۴۳٫۹	۲۲۹۵۹
۲۰۱۰	۸۴۹٫۶	۲۲۴۶۴	۱۵۲٫۲	۶۲۲۲	۱۱۲۹٫۶	۷۸۶۱	۳۷۶٫۸	۳۴۶۳	۱۰۷٫۸	۲۷۷۶۶	۵۶۰٫۴	۸۷۸۳۳	۳۱۷۶٫۳	۲۲۴۶۴
۲۰۱۱	۸۶۸٫۰	۲۳۳۹۷	۱۵۶٫۴	۶۴۰۵	۱۱۰۵٫۸	۷۹۹۲	۳۹۴٫۷	۳۳۵۹	۱۱۴٫۰	۲۸۷۵۴	۵۹۳٫۶	۸۸۸۷۹	۳۲۳۲٫۴	۲۳۳۹۷
۲۰۱۲	۹۰۶٫۵	۲۲۰۴۰	۱۶۵٫۱	۶۵۳۳	۱۰۸۳٫۳	۸۳۵۴	۴۱۱٫۸	۳۶۲۳	۱۲۲٫۸	۲۹۷۸۱	۶۲۵٫۰	۸۹۷۷۴	۳۳۱۴٫۴	۲۲۰۴۰
درصد از جهان	۲۷٫۵	۲۴٫۶	۵٫۰	۷٫۳	۳۲٫۶	۹٫۱	۱۲٫۴	۴۰٫۰	۳٫۷	۳۳٫۶	۱۸٫۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۷٫۵

چنانچه با دقت در آمار و ارقام ارائه شده در نگاره‌های بالا نظر کنیم، متوجه خواهیم شد که بیشترین میزان ذخایر و تولیدات نفت و گاز طی سال‌های مختلف ۲۰۱۲-۲۰۰۵ در منطقه خاورمیانه و زیرسیستم آن، یعنی خلیج فارس بوده و در عین حال، بیشترین میزان مصرف انرژی نیز از سوی کشورهای شرق آسیا و کشورهای توسعه یافته بوده است. بدین ترتیب، مطابق با آمارها، این کشورها بیش از پیش به منابع انرژی این منطقه وابسته خواهند شد. در سال‌های اخیر کشورهای بزرگی چون ایالات متحده آمریکا تلاش داشته‌اند از میزان وابستگی خود به منابع انرژی این منطقه بکاهند، با این حال، حتی با امکان شکل‌گیری خودکفایی ایالات متحده در تأمین امنیت انرژی باز این موضوع از اهمیت این منطقه نخواهد کاست. این موضوع از دو بُعد قابل بررسی است. نخست آنکه، حتی با فرض خودکفایی ایالات متحده در تأمین انرژی خود، باز هم این کشور به‌عنوان تنها هژمون^(۵) باقیمانده پس از جنگ سرد تلاش خواهد داشت رشد و توسعه رقباتی بزرگی همچون چین و هند را که هرروز بیش از پیش به منابع انرژی این منطقه وابسته می‌شوند، کنترل کند. لذا مبحث انرژی در این کشور موضوعی دوجبه‌ای است؛ از یک سو می‌توان آن را پدیده‌ای اقتصادی و از سوی دیگر پدیده‌ای سیاسی توصیف کرد. ابزار انرژی جدای از اقتصادی بودن می‌تواند به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در روابط سیاسی میان کشورها اثرگذار باشد. به‌کارگیری فناوری جدید در آینده‌ای نه چندان دور، آمریکا را به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در سطح جهان تبدیل خواهد کرد. تأمین امنیت انرژی، به این کشور در عرصه بین‌الملل، آزادی عمل بیشتری خواهد داد. از این‌رو، آمریکا با تکیه بر خودکفایی انرژی می‌تواند در کنار مزایای اقتصادی از برد سیاسی این ابزار از طریق اعمال فشار بر دیگر کشورها و در نهایت بازتوزیع قدرت بین‌المللی بهره‌بردار؛ چراکه هر کشوری که بر این منابع کنترل داشته باشد، اهرم قدرت جهانی را در چند دهه آینده کنترل خواهد کرد. ایالات متحده آمریکا نیز، در پی هژمونی و تثبیت قدرت خود در جهان است که این امر بدون تسلط بر شاه‌رگ انرژی جهان غیرممکن می‌نماید. ژاک/تو نیز در این باره می‌نویسد آمریکا به‌عنوان ابرهژمون نیاز به استفاده و به‌کارگیری منابع انرژی دارد که این امر مداخله نظامی در این منطقه را سبب می‌شود (Otto, 2009: 38). لذا، حضور ایالات متحده آمریکا در زیرسیستم خلیج فارس و استیلا بر انرژی منطقه به‌عنوان مداخله‌گر باعث گسترش حلقه کنترل آمریکا بر مانورهای سیاسی و اقتصادی رقباتی همچون چین در منطقه و در نهایت بر نظام بین‌الملل خواهد شد (WohlForth, 1999: 8-25). به‌عبارت‌دیگر، آمریکا با تسلط بر این منابع عظیم، دست رقباتی خود را از این منابع کوتاه می‌کند و همچنین می‌تواند بازارهای جهانی نفت را

کنترل کند. این موضوع مؤید این مطلب خواهد بود که این منطقه در آینده نیز همچون گذشته در کانون توجه کشورها قرار خواهد داشت.

دوم آنکه، اگرچه ممکن است در مناطقی از جهان در مقایسه با منطقه خلیج فارس، میزان بیشتری نفت استخراج شود، اما به طور قطع تولید هیچ منطقه‌ای در جهان از نظر میزان تأثیرگذاری بر بازار انرژی به این منطقه نمی‌رسد. خلیج فارس با ۲۳۳ هزار کیلومتر مربع، ذخایر عظیمی از نفت جهان را در اختیار دارد. مهم‌ترین دارندگان و صادرکنندگان منابع و ذخایر نفت جهان یعنی عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت و امارات متحده عربی در این منطقه قرار دارند (چمن کار، ۱۳۸۷: ۱۲۳). ذخایر نفت منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۱۳ در حدود ۱۶۶۸ میلیارد بشکه است که حدود ۸۰۰ میلیارد بشکه از آن در منطقه خلیج فارس قرار دارد که نزدیک به ۵۰ درصد از ذخایر نفت دنیا در آن قرار دارد (آجیلی و مصیبی، ۱۳۹۲: ۱۵). علاوه بر آن نفت خلیج فارس از مزیت‌هایی همچون: بازدهی بالای چاه‌های نفتی، نزدیکی این منابع به سطح زمین (سهولت استخراج و هزینه تولید)، نزدیکی به ساحل و در نتیجه حمل‌ونقل آسان و کم هزینه، کیفیت بالای نفت خام، امکان کشف ذخایر جدید و وسیع نفتی در مقایسه با سایر نقاط جهان و حجم وسیع ذخایر موجود در هر چاه، برخوردار است (جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۱: ۱۱۸). در این زمینه *گال لوفت* می‌نویسد: «هم‌زمان که اقتصاد جهانی مسیر شیب‌دار را آغاز کرد، وابستگی به نفت، رشد قابل توجهی یافت». وی اشاره می‌کند، به دلیل تراکم میزان زیاد منابع انرژی در منطقه خاورمیانه، اقتصاد مدرن تا مدت طولانی به عرضه نفت و گاز طبیعی خاورمیانه و خلیج فارس که نقشی کلیدی در اقتصاد و سیاست جهانی ایفا می‌کند، وابسته خواهد بود (Luft, 2008: 56).

با وجود تحولات روزافزون در زمینه‌های گوناگون علمی و فناوری، جهان هنوز نتوانسته است مسائل و مشکلات موجود در زمینه انرژی و جایگزینی آن را برطرف سازد و چنانکه گفته شد، امروزه در نظریه‌های جدید ژئواکونومیک مناطقی که دارای ذخایر انرژی هستند دارای اهمیت و ارزش افزون شده‌اند. از این رهگذر، حوزه خلیج فارس هنوز بزرگ‌ترین منابع انرژی را در خود جای داده است. به جز خلیج فارس، سایر مناطق جهان با توجه به اینکه از نظر منابع نیز غنی می‌باشند، اما به دلیل تقاضای بالای مصرف انرژی، خود نیازمند نفت خلیج فارس هستند و از این رو، مطابق با بررسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی، خاورمیانه و زیرسیستم آن یعنی خلیج فارس، همچنان تنها منبع بزرگ نفت کم‌هزینه و ارزان جهان محسوب می‌شود. در رابطه با اهمیت این منطقه دیدید *نیوسام*، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۰ در دانشگاه جرج تاون گفت: «اگر جهان دایره مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را بیابد، به یقین

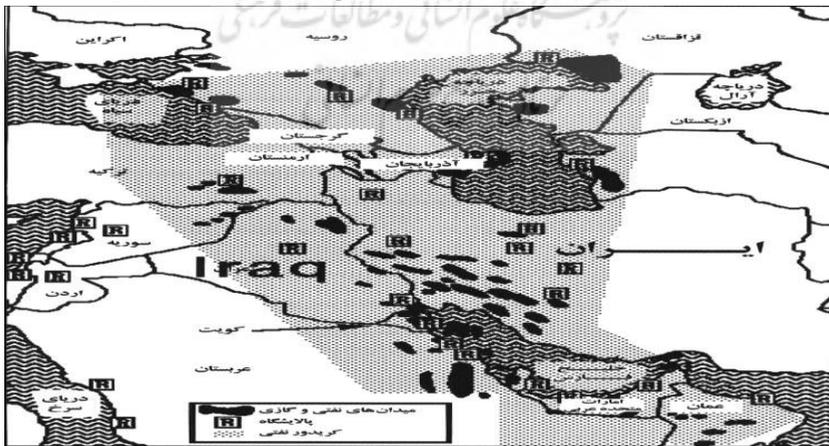
می‌توان گفت که مرکز آن خلیج فارس است. امروزه جایی در جهان به اهمیت این منطقه وجود ندارد که تمامی توجهات را به یک نقطه و با علایقی یکدست همسان کند. در حال حاضر، برای ادامه سلامت اقتصادی و ثبات جهان جایی به اهمیت این مرکز وجود ندارد» (Newsom, 1980: 59).

۳. ارزیابی جایگاه ژئوانرژی ایران در ژئوپلیتیک خلیج فارس

پس از اینکه شرایط بازار جهانی و نقاط حاصلخیز انرژی را مورد بررسی قرار دادیم، اینک به ظرفیت‌های انرژی ایران در منطقه خلیج فارس می‌رسیم. به‌طور کلی، خلیج فارس جایی است که منافع اقتصادی، سیاسی-امنیتی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران در آن به هم می‌رسند. خلیج فارس دهانه ورود ایران به اقیانوس هند و آرام و محور اصلی توسعه آسیایی، امنیت انرژی و ثبات منطقه‌ای است و فضایی می‌باشد که آینده رشد اقتصادی جهان تا حد زیادی به آن وابسته است. در دوره‌های مختلف تاریخی، همواره تنظیم روابط ایران با جهان عرب و قدرت‌های بزرگ به‌طور سنتی از طریق خلیج فارس صورت می‌گرفته است (علایی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

نگاهی به نقشه منابع انرژی جهان نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد ذخایر نفت و گاز در هارتلند انرژی جهان واقع شده است که ایران در کانون آن قرار دارد. قرارگرفتن ایران در مسیرهای ترانزیتی و انتقال انرژی به سایر نقاط جهان و همچنین قراردادن در مخزن انرژی جهان با داشتن رتبه نخست، میزان مجموع ذخایر نفت و گاز در جهان، جایگاهی ویژه و موقعیتی حساس و منحصربه‌فرد به این کشور بخشیده است (نقشه شماره ۱).

نقشه شماره (۱) - موقعیت ممتاز ایران در ژئوپلیتیک انرژی



(الهی، ۱۳۸۰: ۱)

طبق ارزیابی‌ها و آمارهای منتشرشده، وجود نفت در ۷۵ مخزن جداگانه در مناطق خشکی و ۲۰ میدان دریایی در فلات قاره ایران به اثبات رسیده و توسعه آنها اقتصادی ارزیابی شده است (ترابی، ۱۳۸۵: ۱۶۶) همچنین گفته می‌شود، مجموع ذخایر نفت و گاز کشور ما، به شرط آنکه بتوان ضریب بازیافت از مخازن نفتی را حدود ۱۰ درصد افزایش داد، در آینده نه چندان دور بیش از مجموع ذخایر نفت و گاز عربستان خواهد بود و از این حیث مقام نخست را در منطقه خواهیم داشت، اما شرط لازم و کافی برای تحقق این هدف، تزریق روزانه دست‌کم ۵۶۰ میلیون مترمکعب گاز به مخازن نفتی برای یک دوره ۳۰ ساله است (درخشان، ۱۳۹۱: ۱۸۶) برای ایران با چنین ذخایر عظیمی مقدر است که در آینده بازار جهانی نفت، نقش مهمی ایفا کند. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم تقاضای جهانی انرژی رو به افزایش است و این افزایش رو به رشد تقاضا و مصرف انرژی (نفت و گاز) در جهان و ذخایر نفت و گاز موجود در ایران، فرصت حضور هرچه قوی‌تر آن را در عرصه صادرات انرژی و بازارهای جهانی گوشزد می‌کند. نگاره‌های شماره ۷ و ۸ میزان ذخایر و تولیدات نفت و گاز ایران و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس را نشان می‌دهد.



نگاره شماره (۷) - میزان ذخایر نفت و گاز کشورهای حاشیه خلیج فارس

سال کشور	نفت	۱۹۹۲	۲۰۰۲	۲۰۱۱	۲۰۱۲	درصد از جهان
		(هزار میلیون بشکه)	(هزار میلیون بشکه)	(هزار میلیون بشکه)	(هزار میلیون بشکه)	
ایران	نفت	۹۲,۹	۱۳۰,۷	۱۵۴,۶	۱۵۷,۰	۹,۴
	گاز	۲۰,۷	۲۶,۷	۳۳,۶	۳۳,۶	۱۸,۰
عراق	نفت	۱۰۰,۰	۱۱۵,۰	۱۴۳,۱	۱۵۰,۰	۹,۰
	گاز	۳,۱	۳,۲	۳,۶	۳,۶	۱,۹
کویت	نفت	۹۶,۵	۹۶,۵	۱۰۱,۵	۱۰۱,۵	۶,۱
	گاز	۱,۵	۱,۶	۱,۸	۱,۸	۱,۰
عمان	نفت	۴,۷	۵,۷	۵,۵	۵,۵	۰,۳
	گاز	۰,۲	۰,۹	۰,۹	۰,۹	۰,۵
قطر	نفت	۳,۱	۲۷,۶	۲۳,۹	۲۳,۹	۱,۴
	گاز	۶,۷	۲۵,۸	۲۵,۰	۲۵,۱	۱۳,۴
عربستان	نفت	۲۶۱,۲	۲۶۲,۸	۲۶۵,۴	۲۶۵,۹	۱۵,۹
	گاز	۵,۲	۶,۶	۸,۲	۸,۲	۴,۴
امارات	نفت	۹۵,۱	۹۷,۸	۹۷,۸	۹۷,۸	۵,۹
	گاز	۵,۸	۶,۱	۶,۱	۶,۱	۳,۳
یمن	نفت	۲,۰	۲,۹	۳,۰	۳,۰	۰,۲
	گاز	۰,۴	۰,۵	۰,۵	۰,۵	۰,۳
کل خاورمیانه	نفت	۶۶۱,۶	۷۴۱,۳	۷۹۷,۹	۸۰۷,۷	۴۸,۴
	گاز	۴۴,۰	۷۱,۸	۸۰,۴	۸۰,۵	۴۳,۰

(BP, 2013)

نگاره شماره (۸) - میزان تولیدات نفت و گاز در کشورهای حاشیه خلیج فارس

(۲۰۰۵-۲۰۱۲)

کشور سال	نفت	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	درصد از جهان
		میلیون بشکه	میلیون بشکه	میلیون بشکه	میلیون بشکه	میلیون بشکه	میلیون بشکه	میلیون بشکه	میلیون بشکه	
ایران	نفت	۴۱۸۶	۴۲۶۰	۴۳۰۳	۴۳۹۶	۴۲۴۹	۴۳۵۶	۴۳۵۸	۳۶۸۰	۴,۲
	گاز	۱۰۳,۵	۱۰۸,۶	۱۱,۹	۱۱۶,۳	۱۳۱,۲	۱۴۶,۲	۱۵۱,۸	۱۶۰,۵	۴,۴
عراق	نفت	۱۸۳۳	۱۹۹۹	۲۱۴۳	۲۴۲۸	۲۴۵۲	۲۴۹۰	۲۸۰۱	۳۱۱۵	۳,۷
	گاز	۱,۵	۱,۵	۱,۵	۱,۹	۱,۲	۱,۲	۰,۹	۰,۸	-

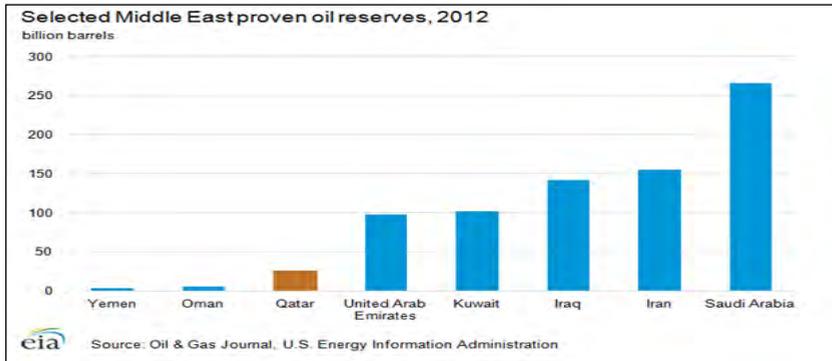
کویت	عمان		قطر		عربستان		امارات		یمن		بحرین		خاورمیانه
	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	
۳،۷	۰،۴	۱،۱	۰،۹	۲،۰	۴،۷	۱۳،۳	۳،۷	۱،۵	۰،۲	۰،۲	-	۰،۴	۳۲،۵
۳۱۲۷	۱۴،۵	۹۲۲	۲۹،۰	۱۹۶۶	۱۵۷،۰	۱۱۵۳،۰	۳۳۸،۰	۵۱،۷	۱۸،۰	۷،۶	-	۱۴،۲	۲۸۲۷،۰
۲۸۸۰	۱۳،۵	۸۹۱	۲۶،۵	۱۸۳۶	۱۴۵،۳	۱۱۱۴۴	۳۳۱۹	۵۲،۳	۲۲۸	۹،۶	-	۱۳،۳	۲۷۹۸۸
۲۵۳۶	۱۱،۷	۸۶۷	۲۷،۱	۱۶۷۶	۱۱۶،۷	۱۰۰۷۵	۲۸۹۵	۵۱،۳	۲۹۱	۶،۲	-	۱۳،۱	۲۵۷۶۳
۲۵۱۱	۱۱،۵	۸۱۵	۲۴،۸	۱۴۱۶	۸۹،۳	۹۶۶۳	۳۷۲۳	۴۸،۸	۳۰۶	۰،۸	-	۱۲،۸	۲۴۷۲۸
۲۷۸۶	۱۲،۸	۷۵۹	۲۴،۱	۱۴۴۹	۷۷،۰	۱۰۶۶۳	۳۰۲۶	۵۰،۲	۳۱۵	-	-	۱۲،۷	۲۶۴۱۵
۲۶۶۳	۱۲،۱	۷۱۳	۲۴،۰	۱۲۷۹	۶۳،۲	۱۰۲۶۸	۳۰۰۱	۵۰،۳	۳۴۱	-	-	۱۱،۸	۲۵۳۰۴
۲۷۳۷	۱۲،۵	۷۴۰	۲۳،۷	۱۳۴۱	۵۰،۷	۱۰۶۷۱	۳۰۹۹	۴۹،۰	۳۸۷	-	-	۱۱،۳	۲۵۷۳۶
۲۶۶۸	۱۲،۲	۷۷۷	۱۹،۸	۱۱۴۹	۴۵،۸	۱۰۹۳۱	۲۹۲۲	۴۷،۸	۴۲۱	-	-	۱۰،۷	۲۵۵۱۸
نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت	گاز	نفت
گاز													

(BP, 2013)

چنانکه ملاحظه می‌شود، ایران با داشتن ذخایر نفت به میزان ۱۵۴،۵۸۰ میلیارد متر مکعب و ۱۰،۴ درصد از ذخایر نفت منطقه در پایان سال ۲۰۱۲، دومین تولیدکننده ذخایر نفت در منطقه است. اداره اطلاعات انرژی آمریکا در گزارش ماه نوامبر ۲۰۱۳ از بازگشت ایران به

جایگاه دوم اوپک در ماه‌های سپتامبر و اکتبر با افزایش تولید ۱۰۰ هزار بشکه‌ای در روز خبر داده است. (EIA, 2013)

نمودار شماره (۴) - منابع نفت خلیج فارس در سال ۲۰۱۲



پیش از این عراق به دلیل تحریم‌های اعمالی علیه ایران توانسته بود جایگاه دومین تولیدکننده نفت اوپک را از ایران بگیرد. تولید نفت عراق در این مدت نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته و به ۲/۸ میلیون بشکه در روز رسیده است. به‌علاوه عربستان با تولید ۹/۹ میلیون بشکه در روز و امارات با تولید ۲,۷ میلیون بشکه در روز به ترتیب رتبه‌های نخست و سوم را به خود اختصاص داده‌اند، اما لازم است در خصوص تحریم‌های کشورمان بدانیم با توجه به اینکه ایران دارای دومین ذخایر گاز طبیعی و یکی از کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت جهان است، کارشناسان معتقدند چشم‌پوشی از منابع فسیلی ایران موجب افزایش هزینه بر بازار انرژی جهان خواهد شد. در نتیجه می‌توان به این امر اذعان کرد که با توجه به حساسیت ناشی از تغییر فاصله میان عرضه و تقاضای نفت، به نظر نمی‌رسد که هم‌زمان با رشد تقاضا برای نفت، تلاش برای محدود کردن توان تولید نفت ایران از طریق تحریم نفتی، بتواند مورد حمایت بازار بین‌المللی نفت قرار گیرد. لذا با توجه به ابعاد سیاسی و اقتصادی بازار جهانی نفت، تحریم نفتی، به‌ویژه تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه ایران در کوتاه‌مدت و به‌صورت غیراجماعی امکان‌پذیر است، اما در بلندمدت و به صورت اجماعی امکان‌پذیر نیست. در واقع، به دلیل وابستگی متقابل بین ایران با دیگر کشورهای جهان از جمله اتحادیه اروپا، با گسترش سایه تحریم بر ایران، هزینه انتقال انرژی جهان نیز بالا می‌رود. اینکه ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولید و صادرکننده نفت است و نقش مهمی در ثبات بازار انرژی جهان دارد و هرگونه تغییر در میزان تولید یا فروش نفت آن تأثیری زیاد بر بازار می‌گذارد، موجب شد تا اغلب کشورها به قطعنامه اتحادیه اروپا علیه ایران واکنش نشان دهند و از پیامدهای آن ابراز

نگرانی کنند. همچنین چین، هند و روسیه نیز آشکارا با اعمال تحریم نفتی علیه ایران مخالفت کردند.

در حوزه گاز نیز، ایران با داشتن ۳,۱ میلیارد مکعب گاز و ۱۶ درصد از این ذخایر، مقام نخست را در منطقه و مقام دوم را در جهان داراست که همین امر فرصتی استثنایی را برای ایران رقم زده است؛ چراکه افزایش نگرانی‌ها نسبت به حفظ محیط زیست و حیات جامعه بشری از یک سو و روند افزایش قیمت نفت خام از سوی دیگر، موجب شده است که هر روز به تعداد متقاضیان سوخت پاک گاز طبیعی افزوده شود. سه حوزه بزرگ ذخایر گازی جهان یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان) ۷۰/۲ درصد گاز دنیا را در خود جای داده‌اند که از آن با عنوان بیضی استراتژیک ذخایر گازی جهان یاد می‌شود (نقشه شماره ۲). منبعی که بتواند در درازمدت بازار این حوزه انرژی گازی را تهدید کنند، در بقیه کشورهای جهان وجود ندارد. این ذخایر عظیم گازی در میان دو بازار بزرگ مصرف اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا قرار گرفته است (مختاری و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۴)

نقشه شماره (۲) - بیضی استراتژیک گازی جهان



به‌طور کلی، اقبال و رویکرد جامعه جهانی به گاز طبیعی آن‌چنان زیاد شده است که صادرات گاز ایران علاوه بر مزایای اقتصادی، می‌تواند با ایجاد پیوندهای عمیق در عرصه روابط بین‌المللی و منطقه‌ای به صورت ابزاری برای تأمین امنیت ملی و ارتقای موقعیت سیاسی ایران در چانه‌زنی‌های بین‌المللی ایفای نقش کند. اما ذکر این نکته نیز ضروری است که بدانیم، صنعت گاز ایران با وجود داشتن چنین موفقیت‌هایی، به دلایل مختلف از جمله غلبه نفت بر ساختار اقتصادی و انرژی کشور، تأخیر در بهره‌گیری از ذخایر گازی و سرمایه‌گذاری‌های محدود، به صنعتی پویا و توسعه‌یافته تبدیل نشده است. نماد این وضعیت، سهم بسیار اندک ایران در صادرات جهانی گاز است.

اینکه ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده مخازن نفت و گاز جهان تاکنون نتوانسته در ردیف کشورهای اصلی صادرکننده نفت و گاز قرار گیرد، به دلیل تحریم صنعت نفت و گاز ایران و در نتیجه منابع سرمایه‌گذاری ناکافی در این بخش است. باید دانست که ایران سهم قابل توجهی از بازار نفت جهان را در اختیار دارد و حذف ایران از این بازار می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد ناپایدار جهانی وارد کند و کشورهای بزرگ آسیایی که به شدت به واردات نفت وابسته هستند، تمایلی به قطع کامل واردات نفت از ایران ندارند.

همچنین گزارش ماه سپتامبر ۲۰۱۳ اداره اطلاعات انرژی آمریکا نیز می‌گوید که با تحریم نفت خام ایران کسری بین عرضه و تقاضای نفت در بازارهای جهانی بیشتر شده است. پیش‌تر نیز اداره اطلاعات انرژی آمریکا در برآورد ماه فوریه خود در مورد میزان تولید و مصرف گفته بود که عدم صادرات یا خروج نفت ایران از بازارهای جهانی کسری بین عرضه و تقاضا را شش برابر خواهد کرد (EIA, 2013).

بدین ترتیب، ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان محسوب می‌شود و هرگونه اختلال اعم از تحریم نفتی ایران، بازار بین‌المللی نفت را با عدم تعادل میان عرضه و تقاضا و افزایش قیمت جهانی نفت مواجه می‌سازد و عدم تأمین نفت کافی خطر ایجاد بحران در اقتصاد جهانی را دربردارد. لذا با توجه به حساسیت ناشی از تغییر فاصله میان عرضه و تقاضای نفت، به نظر نمی‌رسد که هم‌زمان با رشد تقاضا برای نفت، تلاشی برای محدود کردن توان تولید نفت ایران، از طریق تحریم نفتی بتواند مورد حمایت بازار بین‌المللی نفت قرار گیرد. اهمیت راهبردی ایران در بازار جهانی انرژی، فراتر از مسئله ذخایر و تولید نفت و گاز آن کشور است. ثبات نفت اوپک، جز در صورت حفظ امنیت و ثبات آبراه خلیج فارس امری دست‌نیافتنی است. حفظ ثبات خلیج فارس به نفع خود ایران نیز هست؛ زیرا این کشور تنها صادرکننده بزرگ نفت خلیج فارس است که صادرات نفتش در گرو امنیت آبراه مزبور است.

ایران با توجه به این قابلیت‌های ژئواکونومیک، موقعیت‌های خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش می‌تواند پاسخگوی نیاز دو بازار بزرگ مصرفی اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا باشد. در دهه‌های آتی ایران نقش تعیین‌کننده و کلیدی در ژئوپلیتیک انرژی و به‌ویژه گاز را برعهده خواهد داشت و منابع گاز ایران می‌تواند نقش راهبردی در امنیت انرژی داشته باشد؛ زیرا از یک‌سو گاز در راهبردی امنیت انرژی مصرف‌کنندگان آسیایی جایگاهی ویژه یافته است و از سوی دیگر، ایران دارنده دومین ذخایر گاز جهان پس از روسیه است. بنابراین، ایران با برخورداری از این موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و تجربه طولانی در حوزه انرژی، از موقعیت جغرافیایی مناسبی در خلیج فارس و دریای شرق و

شمال شرقی جهت انتقال انرژی به وسیله خطوط لوله به مصرف‌کنندگان آسیایی برخوردار است. از این رو، ایران با در اختیار داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز جهان و همسایگی با دو حوزه بزرگ مصرف‌کننده گاز یعنی چین و هند در شرق و اروپا در غرب، آن‌چنان جایگاهی در حیطه منابع هیدروکربوری در اختیار دارد که حتی تلاش‌های بی‌وقفه ایالات متحده در جلوگیری از گسترش مبادلات انرژی ایران و کارشکنی‌های متعدد این کشور در فرایند صادرات انرژی از ایران به کشورهای مختلف نیز، نتوانسته است از شدت علاقه‌مندی آنها به انرژی ایران بکاهد. به این علت، منطقه خلیج فارس و در کانون آن ایران از اهمیت خاصی برخوردار است (مختاری‌هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

۴. ارزیابی جایگاه ژئوپلیتیک راهبردی ایران در خلیج فارس

مرز آبی طولانی در جنوب و مرز خاکی طولانی در شمال با مهم‌ترین صاحبان ذخایر نفت و گاز، موقعیت ویژه‌ای را برای ایران در ژئوپلیتیک انرژی جهان پدید آورده است. به طوری که اگر حتی خود صاحب ذخایر نفت و گاز نبود، باز هم جایگاه سوق‌الجیشی تأثیرگذاری در جهان می‌داشت. جالب‌تر اینکه ایران، فصل مشترک و محل تلاقی ژئوپلیتیک نفت و گاز نیز هست (محرابی، صفوی و مهدیان، ۱۳۹۲: ۲۵) بدین ترتیب، ایران در کنار اینکه یکی از منابع بی‌بدیل انرژی است و از منابع نفت و گاز فراوان و زیرساخت‌های تولید انرژی برق برخوردار است، ظرفیت‌های فراوان ژئوپلیتیکی نیز در دست دارد. در اهمیت مسائل ژئوپلیتیک در حوزه انرژی باید گفت؛ بر مبنای حجم کنونی فراوانی انرژی، نگرانی‌های امنیت در باره میزان منابع مورد نیاز جهانی تا حدی بی‌مورد است؛ چرا که طبیعتاً منابع انرژی کافی در جهان وجود دارد، اما چالش اساسی چگونگی دسترسی تولید و انتقال این منابع به مناطقی است که به آن نیاز دارند. در سال‌های آتی، تجارت انرژی از تمرکز مراکز عرضه و تقاضا در مناطق جغرافیایی مختلف متأثر خواهد شد، امری که در پراکندگی انبارهای انرژی جهانی به‌وضوح مشخص است. افزون بر این، کفایت و امنیت زیرساخت‌های مورد نیاز برای انتقال حجم گسترده‌تری از نفت و گاز در مسافت‌های دور و برخوردار از نقاط راهبردی از نگرانی‌های عمده خواهد بود. سایر عوامل ژئوپلیتیکی نیز ممکن است موجب چالش زیست‌محیطی شوند؛ بنابراین وابستگی متقابل انرژی و میزان رو به افزایش مبادله انرژی نیازمند تداوم همکاری میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به منظور تأمین امنیت انرژی هم در زمینه تنوع و هم در زمینه عرضه است. با توجه به اهمیت اقتصادی، سیاسی و استراتژیک صادرات نفت، مسیرهای حمل نفت و تأمین امنیت مسیر و محموله هم برای کشورهای صادرکننده و هم برای کشورهای واردکننده حیاتی است و ایران نیز در یکی از حیاتی‌ترین، پرمناقشه‌ترین و البته پرفرت و آمدترین مسیرهای

جهانی انرژی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران، احاطه بر تنگه هرمز است. تنگه هرمز، یکی از راهبردی‌ترین گذرگاه‌های جهان و یکی از مهم‌ترین تنگه‌ها در بین ۱۱ تنگه مهم دنیاست. این آبراه به علت موقعیت خاص راهبردی آن برای قدرت‌های بزرگ جهانی از اهمیت اقتصادی و راهبردی بسیار زیادی برخوردار است. *آلبوکرک* دریادار مهاجم پرتغالی به اقیانوس هند و خلیج فارس معتقد بود، هر دولتی که بر سه تنگه *باب‌المندب*، *هرمز* و *مالاکا* تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود. با وجود اولویت یافتن اقتصاد در صحنه جهانی این نظریه همچنان معتبر است. با کاهش اهمیت جغرافیا این منطقه همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است؛ چراکه جغرافیا در خدمت اقتصاد قرار گرفته است. منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی از مهم‌ترین مناطقی است که با دارابودن ذخایر عظیمی از نفت و گاز جهان، موقعیت ممتازی در میان دیگر مناطق جغرافیایی در جهان دارد. علاوه بر ذخایر انرژی موجود که سهم به‌سزایی در اقتصاد جهان دارد، مبادی ورود و خروج این ذخایر به دنیای صنعتی نیز حائز اهمیت است. تنگه هرمز به خاطر میزان انرژی که روزانه از طریق آن صادر می‌شود، سهم قابل ملاحظه‌ای در امنیت انرژی جهان و امنیت واردکنندگان انرژی از این منطقه دارد و از همین روست که عبارت «شاهرگ حیاتی انرژی دنیا» برای توصیف تنگه هرمز به کار می‌رود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۵۰). به‌طور متوسط، در هر دوازده دقیقه یک کشتی نفت‌کش از تنگه هرمز و در مجموع ۴۰ درصد از نفت مصرفی کشورهای جهان از این تنگه عبور می‌کند. حاشیه شمالی این تنگه در اختیار ایران است و سواحل جنوبی آن تحت حاکمیت دولت عمان قرار دارد. از آنجایی که عمان حضور فعالی در خلیج فارس ندارد، ایران به‌عنوان تنها تأمین‌کننده امنیت در منطقه مزبور است و از همین‌رو، از اهمیت شایانی برخوردار است (عزتی ۱۳۸۷: ۲۴). لذا وجه اختصاصی ژئوپلیتیک ایران در منطقه، در موقعیت حساس و استراتژیک تنگه هرمز جلوه می‌کند. گذرگاه حساس انرژی جهان که خلیج فارس را به اقیانوس هند وصل می‌کند و همچنین مالکیت بر شش جزیره در تنگه هرمز، قوس دفاعی را برای ایران به‌وجود آورده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۸۷). در کنار این موضوع، بیان این نکته که تنگه هرمز باریک و کم عرض می‌باشد، بسیار حائز اهمیت است، اهمیت عرض کم تنگه هرمز از این جهت است که در طول ۳ کیلومتر مسافتی که عرض تنگه بین ۲۱ تا ۲۴ مایل دریایی متغیر است، بخشی از آب‌های ساحلی در کشور ایران و عمان بر روی هم منطبق می‌شود؛ بنابراین در فاصله بین آنها دریای آزاد وجود ندارد. همین امر حساسیت ویژه‌ای را در امر کشتیرانی بین‌المللی در تنگه هرمز ایجاد کرده و مسئولیت سنگین امنیتی را بر دوش این دو کشور نهاده است. از این‌رو، حفظ امنیت خلیج فارس و خطوط

کشتیرانی همواره یک اصل ثابت در راهبرد تدافعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده است.

جمهوری اسلامی ایران طولانی‌ترین ساحل را نسبت به سایر کشورها در خلیج فارس دارد و مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای برای حفظ امنیت تنگه هرمز و خطوط کشتیرانی است. موضوعاتی همچون تسلط ایران بر خطوط کشتیرانی و بر تنگه هرمز، اهمیت ژئوپلیتیکی جزایر ایرانی خلیج فارس، نقش ایران در امنیت انرژی جهانی، ظرفیت‌ها و تبادلات مالی و تجاری در سطح منطقه مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است. قرارگرفتن ایران در سرتاسر ساحل خلیج فارس موجب شده است تا جمهوری اسلامی ایران با وجود تحریم‌های شدید فعلی، هیچ‌گاه از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منزوی نشود. هم‌اکنون نیز خلیج فارس نقطه امتیاز جمهوری اسلامی ایران و منطقه مهم فرصت‌سازی در سیاست خارجی کشور و روابط با ملت‌های دیگر است. ایران در دوره‌های مختلف، قدرت نخست خلیج فارس بوده و همواره خود را مسئول تأمین امنیت خلیج فارس و تردد امن کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز می‌دانسته است؛ بنابراین، خلیج فارس یکی از کانون‌های مهم امنیتی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و از مهم‌ترین بازیگران آن است (علایی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

کارشناسان اقتصادی و نظامی بر اهمیت راهبردی تنگه هرمز اتفاق نظر دارند. پاتریک کلاوسون، پژوهشگر مسائل خاورمیانه در مؤسسه خاور نزدیک واشنگتن در یک نشست خبری در مورد نقش تنگه هرمز گفت: «با توجه به عبور حدود ۴۰ درصد نفت مورد نیاز جهان از شاهراه حیاتی هرمز، اگر این تنگه برای مدت طولانی بسته شود، اقتصاد جهانی سقوط خواهد کرد؛ زیرا مهم‌ترین گلوگاه حمل‌ونقل نفت خام جهان محسوب می‌شود». در سال ۲۰۰۶ کشورهای خلیج فارس یعنی ایران، عربستان، عراق، کویت، قطر و امارات متحده عربی در کل ۱۸ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت در روز صادر کرده‌اند که از این میزان حدود ۱۷ میلیون بشکه از طریق تنگه هرمز به بازارهای جهانی ارسال شده است (محرابی، صفوی و مهدیان، ۱۳۹۲: ۲۸) و در این میان خط ساحلی ایران در صدور این انرژی‌ها نقش حیاتی بازی می‌کند؛ زیرا تانکرها و نفتکش‌ها از مسیرهایی عبور می‌کنند که بسیار نزدیک به خاک ایران، جزایر تحت کنترل و پایگاه‌های نیروی دریایی ایران در خلیج فارس است. این حساسیت‌های بالا و تهدیدهای ایران به انسداد تنگه هرمز در صورت هرگونه حمله نظامی علیه ایران، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای پیشرفته صنعتی برای تضمین امنیت صدور انرژی شده است. اگرچه در صورت بسته‌شدن تنگه هرمز، استفاده از مسیرهای جایگزین امکان‌پذیر است، اما این مسیرها طولانی‌تر و پرهزینه‌تر هستند (فتحی و خلیلی‌نوشهر، ۱۳۸۷: ۸۳۸)؛ بنابراین،

بسته‌شدن این تنگه، اختلالی را در عرصه عرضه ایجاد خواهد کرد که تمام شوک‌های نفتی گذشته در مقایسه با آن کوچک خواهند بود. بر اساس مطالعات انجام‌شده، بسته‌شدن تنگه هرمز بی‌گمان باعث جهش فوری و شدید قیمت نفت در بازار جهانی خواهد شد (خوشرو، ۱۳۹۰: ۱۷).

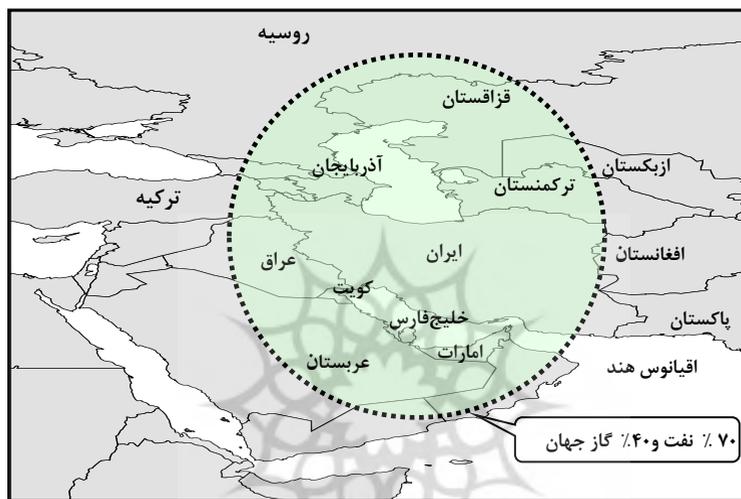
بدین ترتیب، با توجه به اینکه انرژی یکی از کلیدهای راندن اقتصاد نوین جهانی است، هرگونه اختلال فیزیکی در عرضه یا تغییر عمده در قیمت‌ها، به‌طور جدی فعالیت‌های اقتصادی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای توسعه پایدار اقتصاد جهانی یک تعادل مناسب بین عرضه و تقاضای انرژی جهان مورد نیاز است؛ عدم توازن بین عرضه و تقاضای انرژی، امنیت انرژی جهانی را با مشکل مواجه می‌کند (Jean, 2007: 11). از این‌رو، تضمین امنیت انرژی برای اقتصادهای مدرن امری ضروری است؛ زیرا آنها به‌شدت به انرژی وابسته هستند و برنامه‌ریزی درازمدت اقتصادی آنها به ثبات در دسترسی به انرژی بستگی دارد (Joffe, 2007: 1). امنیت انرژی نیز به تولید و مصرف روان انرژی (به‌ویژه نفت و گاز) اطلاق می‌شود؛ چنانچه هیچ مشکلی بر سر راه استخراج، تولید و حمل‌ونقل (تولید، توزیع و مصرف) آن وجود نداشته باشد. امنیت انرژی مباحث گسترده‌ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب انرژی، تعیین سیاست‌های انرژی تغییرات آب‌وهوایی و محیط‌زیستی ناشی از مصرف برخی سوخت‌ها و انرژی‌های جایگزین را دربر می‌گیرد. (محرابی، صفوی و مهدیان، ۱۳۹۲: ۳۸) برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ نیز ابراز می‌دارد که امنیت انرژی به‌طور عمومی به‌عنوان «قابلیت دسترسی به انرژی در تمام زمان‌ها، در اشکال مختلف، در کمیت‌های مناسب و در قیمت‌های قابل پرداخت» در نظر گرفته می‌شود (Dannreuther, 2003: 199).

به‌هرترتیب، قرارگرفتن ایران در مرکز بیضی استراتژیک انرژی باعث شده، امنیت تولید انرژی و انتقال آن که نیاز اساسی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی است، متأثر از ایران و نفوذ آن در منطقه باشد. این بیضی انرژی نیز، شامل کشورهای منطقه خلیج‌فارس و حوزه دریای خزر می‌شود که در قلب آن ایران قرار دارد. بر همین مبنا جفری کمپ، متأثر از نظریه هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند ژئوپلیتیک انرژی یاد می‌کند (نقشه شماره ۱) که مرکز هارتلند انرژی نیز برای توصیف موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی ایران به‌کار می‌رود و اعتقاد بر این است که این بیضی انرژی در قرن ۲۱، جانشین بسیار مناسبی برای هارتلند مکیندر در قرن ۲۰ می‌باشد. موقعیت ایران در این بیضی به‌گونه‌ای است که

می‌تواند بر کلیه تحولات در هارتلند یا بیضی انرژی اثر گذارد (موسوی‌شفایی و شاپوری، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

چنان‌که در نقشه مذکور ملاحظه می‌شود، ایران در مرکز بیضی استراتژیک قرار دارد مضافاً اینکه این سرزمین قلب و محل اتصال قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا نیز است. به عبارتی، از نظر جغرافیایی می‌توان آن را منطقه‌ای مرکزی و کانونی برای خشکی‌های جهان به حساب آورد (مختاری و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

نقشه شماره (۳) - بیضی استراتژیک انرژی



(کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۹۱)

چنانکه گفته شد، موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی بسیار حائز اهمیت است اما علاوه بر این، ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، نیز یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدهای نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از راه ترکیه به اروپا برساند (نصرتی و منیری، ۱۳۹۰: ۲۱۰-۲۰۳). این موقعیت ژئوپلیتیک ایران در زمینه تبادل انرژی، واقعیتی غیرقابل انکار برای موافقان و مخالفان حضور ایران در بازار انرژی منطقه‌ای است، به طوری که در مقابل کارشکنی‌های مداوم آمریکا علیه ایران، کشورهای آسیای مرکزی بارها از دولت آمریکا خواسته‌اند تا سیاست خود را در قبال ایران تغییر دهد (اطاعت و نصرت، ۱۳۸۸: ۲۰).

بدین ترتیب، ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که دارد به‌عنوان امن‌ترین، اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آبهای آزاد مطرح است. در جهانی

که امنیت ملی کشورها با تأمین انرژی گره خورده است، حفظ و پاسداری از این موقعیت ویژه برای ایران اهمیتی راهبردی دارد. داشتن نقشی اساسی در تأمین انرژی جهان که ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور باشد، امنیت ملی کشور را نیز تضمین خواهد کرد؛ بنابراین، هدف راهبردی بخش نفت و گاز کشور می‌تواند «کسب سهم بیشتر در تأمین تقاضای جهانی انرژی» طی دو دهه آینده باشد.

فرجام

چنانکه گفته شد، خاورمیانه و زیرسیستم آن خلیج فارس از ذخایر بسیار گسترده نفت و گاز برخوردار است و هنوز از همه ظرفیت تولید خود استفاده نکرده است. برخلاف کشورهای دیگر که اکنون با تمام ظرفیت خود به تولید انرژی می‌پردازند، این منطقه از جهان هنوز این توان را دارد تا برای هماهنگی با اوج‌گیری تقاضای نفت جهان، تولید خود را افزایش دهد. ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاصی دارد که از لحاظ اصولی یک پدیده بین‌المللی است و در یک شاهراه تعاملات بین‌المللی قرار گرفته و به هیچ وجه نمی‌تواند خارج از این تعاملات باشد، لذا نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی در منطقه ایفا می‌کند. توجه به این نکته ضروری است که بدانیم، موضوع انرژی و چگونگی توسعه آن برای جمهوری اسلامی ایران هم به‌عنوان یک ابزار قدرت و هم به‌عنوان یک هدف سیاست خارجی مطرح است. در شرایط کنونی کشور، یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که از قابلیت و ظرفیت تبدیل شدن به فرصت برخوردار است، تعامل و همکاری با جهان در حوزه انرژی است؛ چرا که نیاز شرق به افزایش انرژی و نیاز غرب به تنوع انرژی در کنار توانمندی ایران در حوزه انرژی، شرایط را به گونه‌ای می‌سازد که جایگاه انرژی کشور و موقعیت ژئوپلیتیکی آن نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی در منطقه خلیج فارس ایفا می‌کند. بنابراین نمی‌توان ایران را در مبادلات انرژی نادیده گرفت و هیچ کشوری در عرصه بین‌الملل به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قابلیت جایگزینی و پرکردن خلأ حضور ایران را در بازار بین‌المللی انرژی ندارد. از سوی دیگر، این موضوع نیز باید مورد توجه طراحان روابط بین‌المللی ایران در تدوین راهبرد ملی کشور باشد که به عوامل مهم مورد توجه سایر کشورهای جهان در برقراری روابط خارجی اهمیت دهند. در محیط بین‌المللی کشورهایی موفق‌ترند که دولتمردان آنها درک صحیح‌تری از توانایی‌های واقعی و منابع کشور خود داشته باشند و آنها را در اولویت روابط بین‌المللی قرار دهند؛ زیرا با توجه به مؤلفه‌های قدرت، روابط بین‌المللی ناشی از جریان تعامل واحدهای سیاسی است و در این کنش دو مؤلفه «اهداف و امکانات» حائز اهمیت بسیاری است. در راستای حصول به اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران در محیط بین‌المللی

نفت و گاز جایگاه ویژه‌ای را در میان سایر عوامل دیگر در چارچوب راهبرد ملی و بین‌المللی ایران به خود اختصاص داده است. لذا به جاست ایران با مشارکت دیگر کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه خلیج فارس در یک راهبرد مشترک و با راهکارهای دیپلماتیک منافع منطقه‌ای را تضمین کنند و بدین وسیله امنیت و منافع منطقه را در مقابل تهدیدات آمریکا و کشورهای غربی، بیمه کنند.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) تعاریف متعددی از واژه ژئوپلیتیک از سوی علمای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جغرافیا صورت پذیرفته است. گاهی اوقات در بعضی تعاریف، ژئوپلیتیک معادل جغرافیای سیاسی خوانده شده است؛ اما اکثر دانشمندان ژئوپلیتیک قائل به جدایی حوزه‌های ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی هستند. دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی را بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولت‌ها می‌داند؛ اینکه چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و یک تکه زمینی که یک دولت روی آن قرار گرفته است، گزینه‌های سیاست خارجی دولت و جایگاه آن را در سلسله‌مراتب دولت‌ها تعیین می‌کند.

(۲) معمولاً ژئواستراتژی را چنین تعریف می‌کنند: «به‌کارگیری استراتژی بر پایه جغرافیا توسط یک دولت» یا «موقعیت مناسب جغرافیایی که به یک کشور برتری نظامی نسبت به رقیب یا رقبا می‌دهد». به سخن دیگر ژئواستراتژی ترکیبی از عوامل ژئوپلیتیک و استراتژیک که مشخص‌کننده یک حوزه جغرافیایی معین است؛ یعنی آن عوامل جغرافیایی که در یک منطقه وجود دارد قابل استفاده در حوزه استراتژی و ژئوپلیتیک است.

(۳) اصطلاح هارتلند را نخستین‌بار سر هلفورد مکیندر جغرافیدان انگلیسی در آغاز قرن بیستم (۱۹۰۴) و با موضوع و نقش ژئواستراتژیک وضع کرد و از لحاظ مکانی آن را بر فضای جغرافیایی بین ارتفاعات اورال، البرز- هندوکش، سبیری و اقیانوس منجمد شمالی تطبیق داد. از آن زمان تاکنون هارتلند به‌لحاظ موضوعی و مکانی دچار تغییر و تحول شده است. هارتلند به معنی قلب زمین، به لحاظ مفهومی عبارت است از مکان و فضای جغرافیایی پر قدرت در سطح کره زمین که یک یا چند امر جهانی یا سیاست جهانی به آن پیوند خورده باشد. به عبارتی، هارتلند مکان و فضای جغرافیایی برخوردار از توان و ظرفیت قدرت است که حاوی یک یا چند ارزش یا صفتی است که کارکرد جهانی و کروی دارد؛ بنابراین هارتلند از حیث زمانی و مکانی و حتی موضوعی، ناپایدار و متغیر است.

(۴) ژئواکونومی، در واقع، اقتصاد و رابطه بین جغرافیا و قدرت اقتصادی کشورها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زمانی که بخشی یا تمام قابلیت‌های اقتصادی کشورها در گرو مسائل جغرافیایی باشد، اقتصاد جغرافیایی یا ژئواکونومی شکل می‌گیرد.

(۵) هژمونی به فرانسوی مفهومی برای توصیف و توضیح نفوذ و تسلط یک گروه اجتماعی بر گروهی دیگر است، چنان‌که گروه مسلط فرادست درجه‌ای از رضایت گروه (تحت سلطه) فرودست را به‌دست می‌آورد و با «تسلط‌داشتن به دلیل زور صرف» فرق دارد.

منابع فارسی

آجیلی، هادی و منا مصیبی (۱۳۹۲)، «فناوری‌های جدید انرژی و سیاست خارجی آمریکا در قبال ژئوپلیتیک خلیج فارس»، *مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا*.

اطاعت، جواد و حمیدرضا نصرتی (۱۳۸۸)، «ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال دوم، شماره ۳.

الهی، همایون (۱۳۸۰)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: قومس.

بردبار، حمیدرضا و ارسلان قربانی‌نشین (۱۳۹۰)، «برایند سیاست خارجی کشورها در منطقه

خلیج فارس و امنیت آن با تأکید بر مسئله نفت و انرژی»، *سیاست و اندیشه*، سال دوم، شماره ۵.

- ترابی، سعید (۱۳۸۵)، *مسائل نفت ایران*، تهران: قومس.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱)، *ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس*، تهران: وزارت امور خارجه.
- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۸۷)، «جایگاه خلیج فارس در اقتصاد انرژی آمریکا»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۵۵ و ۵۴.
- خوشرو، سعید (آذر و دی ۱۳۹۰)، «چالش‌های تحریم نفتی ایران و تبعات آن»، *مجله اقتصاد انرژی*، شماره ۱۴۴-۱۴۵.
- درخشان، مسعود (پاییز ۱۳۹۱)، «امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز»، *راهبرد*، شماره ۶۴: ۱۸۸-۱۵۹.
- روحانی، حسن (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی و آینده نفت و گاز کشور»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال دوم، شماره ۵.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران: سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۷)، «ژئواکونومیک قرن بیست و یکم جایگاه ایران»، *فصلنامه نگاه*، سال دوم، شماره ۲.
- عزتی، عزت‌الله (بهمن ۱۳۸۷)، «استراتژی آمریکا در خلیج فارس»، *همشهری دیپلماتیک*.
- عسگری، سهراب (۱۳۸۳)، «نقش و جایگاه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۰۹ و ۲۱۰.
- علایی، حسین (پاییز ۱۳۹۱)، «بررسی راهکارها و قابلیت‌های جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت و مقابله با تهدیدات در خلیج فارس»، *مجله سیاست دفاعی*، سال بیستم، شماره ۸: ۱۵۶-۱۲۷.
- فاضله، خادم (۱۳۸۵)، «اقتصاد و بازرگانی جهان: دورنمای ذخایر نفت و گاز خلیج فارس و بازار جهانی نفت»، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۱۹: ۶۰-۴۷.
- فتحی، سروش و رقیه خلیلی‌نوشهر (۱۳۸۷)، «نقش و جایگاه تنگه هرمز در منطقه خلیج فارس»، *مجموعه مقالات خلیج فارس دانشگاه گرمسار*.
- کمپ، جفری و رابرت هارکاوای (۱۳۸۳)، *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، جلد اول، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵)، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، تهران: وزارت امور خارجه.
- محرابی، علیرضا، سیدیحیی صفوی و حسین مهدیان (بهار ۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه ژئوپلیتیک انرژی در تأمین امنیت ملی ایران از منظر سه رویکرد (گسترش‌محور، حفظ‌محور و توسعه‌محور)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال نهم، شماره ۲۹: ۵۹-۳۲.
- مختاری‌هشی، حسین و حمیدرضا نصرتی (۱۳۸۹)، «امنیت انرژی و موقعیت ژئواثری ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره ۲: ۱۲۴-۹۵.
- موسوی شقایب، سیدمسعود و مهدی شاپوری (زمستان ۱۳۹۰)، «ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیک پرخطر ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره ۴: ۱۹۲-۱۶۳.

نامی، محمدحسن، علی محمدپور و علیرضا عباسی (پاییز ۱۳۸۸)، «تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال پنجم، شماره ۲: ۴۱-۶۵.
نصرتی، حمیدرضا و کامل منیری (۱۳۹۰)، *دیپلماسی و امنیت انرژی*، تهران: انتخاب.

منابع لاتین

- BP World statical Review (2013), Available at: BP.Com/ Statical Review of World Energy.Pdf
- Cordesman, A. H. (2013), *The Myth or Reality of US Energy Independence*. Washington, DC: Center for Strategic and International Studies.
- Cummings, B. (1991), Trilateralism and the new World Order , *World Policy Journal*, Vol.8, No.2.
- Dannreuther, R. (2003), Asian security and China's energy needs , *International Relations of the Asia-Pacific*, Vol.3, No.2: 197-219.
- EIA (2012), Oil and Gas Journal , U.S Energy InFormation Administration, Retrieved From: [http:// www.eia.doe.gov/duav/pet/hist/oil/htm](http://www.eia.doe.gov/duav/pet/hist/oil/htm).
- EIA (January 2013), Short-term Energy Outlook.
- EIA, Oil and Gas Journal , U.S Energy in Formation Administration 2013, Retrieved From [http:// www.eia.doe.gov/duav/pet/hist/oil/htm](http://www.eia.doe.gov/duav/pet/hist/oil/htm).
- Global, B. P. & Worldwide, B. P. (2015), BP Energy Outlook 2035.
- IEA (2013), World Energy Outlook, Available at: [http://www.iea.org/publication/freepublications/ publication/english.pdf](http://www.iea.org/publication/freepublications/publication/english.pdf)
- IEA Outlook 2013.
- Jean, Marie (2007); Economics and Geopolitics of Energy , *Centre de Géopolitique de l'Energie et des Matières Premières* (CGEMP), Université Paris Dauphine.
- Joffé, George (2007), The Geopolitics of Energy Security, Geopolitics and International Boundaries , *Research Centre School of Oriental and African Studies University of London*.
- Luft, G. (2009), Dependence on Middle East energy and its impact on global security , *In Energy and environmental challenges to security*: 197-210.
- News on, David. D (1980), *U.S Policy Towards the Persian Gulf*, washington D.C: Georgetown University.
- Opec (2013), World Oil Outlook.
- Otto, Zach (2009), U.S dependence on Middle East Oil, U.S Department of Energy.
- Peak Oil Consulting. Com, *Peak Oil Report*.
- Whole Forth, W. (Summer 1999), The Stability of Unipolar World , *International Security*, Vol.24, No.1.